



## مریم رجوی: دادخواهی مترادف پایداری بر سر موضع و مقاومت برای سرنگونی و آزادی است

کنفرانس بین‌المللی با حضور بیش از ۱۰۰۰ زندانی از بندرسته

۵ شهریور ۱۴۰۰

نسل کشی و قتل عام سال ۱۳۶۷ در ایران

نه به مصونیت مسئولان جنایت، آری به حسابرسی سران رژیم

دوستان گرمی!

خواهران و برادران!

به شما و به شخصیت‌های سیاسی، نمایندگان محترم، حقوقدانان و مدافعان حقوق بشر که در این کنفرانس حضور یافته‌اید، خوشامد می‌گویم و درود می‌فرستم.

۳۳ سال قبل در تابستان ۶۷، به دنبال فتوای خمینی برای اعدام کلیه مجاهدین سرموضع، ۳۰ هزار زندانی سیاسی، که ۹۰ درصد آن‌ها را هواداران مجاهدین تشکیل می‌دادند، پیاپی اعدام شدند. موج خونریزی به سرعت به سایر زندانیان هم گسترش یافت.

امروز، ۵ شهریور یادآور روزی است که ۳۳ سال پیش، طبق بسیاری اسناد و گزارش‌ها، سربهدار کردن مبارزان مارکسیست و کرد شامل اعضای حزب دموکرات کردستان ایران و کومله و سازمان خبات کردستان ایران شروع شد، به همه شهیدان آزادی ایران که بسیاری از آن‌ها هنوز هم ناشناخته‌اند، ادای احترام می‌کنیم.

مقاومت در زندان‌ها در سخت‌ترین شرایط

اما امروز شاهد اجتماع فوق‌العاده‌ای هستیم که در تاریخ مبارزات خلق‌ها در دفاع از حقوق بشر و

دادخواهی خون‌های به‌ناحق ریخته شده، بی‌سابقه است.

در گرد هم‌آیی امروز، هزار زندانی سیاسی شکنجه شده در رژیم‌های شیخ و شاه از اشرف ۳ حضور دارند که نزدیک به یک‌چهارم آن‌ها را خواهران مجاهد ما تشکیل می‌دهند. هم‌چنان‌که شمار زیادی از زندانیان سیاسی از بندرسته در کشورهای مختلف با ما همراه هستند.

بسیاری از این خواهران و برادران، شاه‌دان مستقیم اعدام‌های بی‌شمار دهه ۶۰ و قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ بوده‌اند. آن‌ها بازمانده یک سرکوب خونین و فراگیر با ۱۲۰ هزار شهید هستند.

رژیم آخوندی با داغ و درفش و شکنجه می‌خواست هر عضو و هوادار مجاهدین را منکوب و مغلوب کند. همه حربه‌های شیطانی، رذیلانه و ضد بشری را آزمایش کرد. در به‌اصطلاح «واحد‌های مسکونی» شنیع‌ترین شکنجه‌ها را بر زنان مجاهد اعمال کردند. هفته‌ها و ماه‌ها، آن‌ها را به‌صورت نشسته در قفس حبس کردند تا شاید روحیه مقاوم آن‌ها را درهم بشکنند و سرانجام در تابستان ۶۷ آن‌ها را در مقابل یک انتخاب قراردادند: تسلیم‌شدن با نفی وفاداری به مجاهدین یا اعدام؟

اما نسلی که با نام مسعود رجوی و سودای آزادی پا در این راه گذاشته، در زندان و زیر شکنجه و در سخت‌ترین شرایط و حتی زمانی که در برابر انتخاب بین تسلیم و اعدام قرار گرفت، بر مواضعش که همانا سرنگونی رژیم و آزادی مردم بود، قهرمانانه ایستاد.

زندانیان دلیر مجاهد و مبارز، اثبات کردند که مقاومت‌شان ولو با دست‌های بسته و در کنج زندان‌ها عین نبرد و کارزار سرنگونی است. مبارزه‌یی که در آن، جلاد در مقابل عزم زندانی به‌زانو درمی‌آید. برخی از همان زندانیان از بندرسته بعدها در عملیات ارتش آزادیبخش یا در حملات و موشک‌باران اشرف و لیبرتی توسط رژیم به شهادت رسیدند.

از جمله فرمانده زهره قائمی که پنج سال در زندان بود تا پوران نجفی که خاطرات دوره اسارت پنج‌ساله را در کتابی به‌نام «پرواز هم‌زنجیران» مدون کرد، تا حسین سرو آزاد که در شمار شاه‌دان قتل‌عام بود و علیرضا طاهرلو که هرکدام نزدیک به ده سال در اسارت بودند. جرم آن‌ها پایداری بر ادامه همان آرمان آزادی و تعهدشان به مسعود رجوی بود.

### هدف رژیم نابودی یک نسل و یک تفکر

برای سالیان، مقاومت ایران در شرایط اختناق مطلق، اسناد شکنجه‌های وحشیانه در زندان‌های رژیم را در اختیار مجامع جهانی قرارداد. زندانیان از بندرسته با پاهای سیاه‌شده در اثر ضربات کشنده و مستمر کابل، بارها و بارها در برابر مجامع بین‌المللی شهادت دادند.

در قتل‌عام ۶۷ هم مقاومت ایران از همان اوایل، اطلاعات اعدام‌های دسته‌جمعی را در اختیار سازمان ملل قرارداد. اما متأسفانه آن‌ها انتخاب کردند که چشمان خود را بر این جنایات ببندند. چند ماه قبل، هفت گزارشگر سازمان ملل اعلام کردند که بی‌عملی سازمان ملل در قبال کشتار دسته‌جمعی در سال ۶۷، موجب جری شدن رژیم ایران و وخیم‌تر شدن وضعیت حقوق بشر در ایران شد.

قتل‌عام ۶۷ مصداق بارز نسل‌کشی است. فتوای خمینی به‌صراحت می‌گوید همه مجاهدین سرموضع را اعدام کنید. قبل از آن در سال ۵۹، حاکم ضد شرع خمینی در شهر بم در حکم خود نوشت: مجاهدین به فرمان خمینی «هیچ‌گونه احترام مالی ندارند، بلکه جانی هم ندارند». آخوند رئیسی، رئیس‌جمهور کنونی رژیم هم در دی ۸۸ گفت: همه مجاهدین محارب و محکوم به اعدام هستند.

آخوند جنتی رئیس شورای نگهبان رژیم به صراحت گفت: «[مجاهدین] باید ریشه‌کن شوند تا ریشه‌های نظام برپا شود».

و آخوند پورمحمدی عضو هیئت مرگ، دو سال پیش در مرداد ۹۸ گفت: «ما هنوز با مجاهدین تصفیه حساب نکرده‌ایم. وقت تصفیه حساب است. امروز هم منافقین خائن‌ترین دشمنان ... هستند و باید جواب بدهند، باید پای میز محاکمه بیایند و به حساب تک‌تک آن‌ها باید برسیم». بنابراین هدف رژیم بسا فراتر از اعدام چندین هزار نفر، نابودی یک نسل، نابودی یک تفکر و نابودی زنان و مردانی است که ارتجاع آخوندی تحت نام اسلام را نفی کرده و برای آزادی و کرامت انسانی به‌پاخاسته‌اند.

زنان و مردانی البته معتقد به اسلام، اما پایبند به جدایی دین و دولت که با اعتقاد به آزادی و برابری همه آحاد مردم با هر ملیت و مرام و مذهب، همه‌چیز خود را فدا می‌کنند. این سیما و عملکرد آزمایش‌شده مجاهدین در ۵۶ سال گذشته است.

مقاومت مجاهدان سر موضع و شجاعت شگفت‌انگیز آن‌ها در مقابل جلادان کمیسیون‌های مرگ، داستان‌های ناگفته بسیاری دارد. از این نظر، اجتماع هزار زندانی مجاهد سرمایه بی‌نظیر جنبش دادخواهی و جنبش مقاومت برای سرنگونی رژیم است.

این واقعیت که چنین گروه بزرگ و ارزشمندی از شاهدان جنایت‌های رژیم توانسته‌اند در قلب یک جنبش انقلابی گردهم بیایند، از واقعیت اجتماعی عظیمی حکایت می‌کند. آن‌ها در ۳۳ سال گذشته با حضور رزمنده و مؤثر خود در مبارزه علیه رژیم ولایت‌فقیه، پیشبرد جنبش دادخواهی را

استمرار داده‌اند.

این اجتماع فوق‌العاده، نوک هرم بزرگی در جامعه ایران است که صدها هزار زندانی و شکنجه‌شده و خانواده‌های ۱۲۰ هزار شهید راه آزادی آن را تشکیل می‌دهند. این هزار زندانی، با هم‌زمانشان در همین اشرف ۳ جمعاً بیش از ۱۰۰ هزار سال سابقه حرفه‌یی مبارزاتی و تشکیلاتی دارند و قلب تپنده مقاومت سازمانیافته سراسری مردم ایران را تشکیل می‌دهند که از یک‌سو مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی رژیم در این دهه‌ها و از سوی دیگر تضمین سرنگونی و آینده ایران آزاد و دموکراتیک است.

این گروه سیاسی و اجتماعی بزرگ، همواره گوشزد می‌کند که میان جامعه ایران و رژیم حاکم، دریایی از خون قرار دارد و مهم‌ترین عامل از بین بردن مشروعیت رژیم است. حالا می‌توان صورت مسأله و جبهه‌بندی سیاسی امروز ایران و طرفین آن را که دریای خون آن‌ها را جدا و مرزبندی می‌کند، به چشم دید.

به قول مسعود رجوی، از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، دو قطب بیشتر وجود ندارد: جبهه خلق و مقاومت و آزادی در برابر جبهه ارتجاع و دیکتاتوری و رژیم قتل‌عام با جلا ۶۷ در مقام رئیس‌جمهورش. این علامت اعلام جنگ آشکار و مضاعف با خلق و مجاهدین خلق در کانون ارتش بزرگ آزادی مردم ایران است.

### دادخواهی یک جنبش پرتوان

جنبش دادخواهی با صف بی‌انتهای رزمندگان و شهیدانش یک پدیده خلق‌الساعه نیست. در شهریور ۶۷ رهبر مقاومت ایران به دبیرکل ملل متحد نوشت «بر طبق اطلاعات موثق، خمینی چند هفته پیش طی حکمی به خط خودش دستور اعدام زندانیان سیاسی مجاهد خلق را صادر کرده است».

این جنبش پرتوان، در سه دهه اخیر، با هزاران افشاگری، انتشار کتاب‌ها و جزوات متعدد، برگزاری هزاران تظاهرات، گردهمایی، نمایشگاه، تحصن، تحقیق و پژوهش حقوقی و برگزاری دادگاه‌های مردمی برای شهادت شاهدان قتل‌عام‌ها پیش رفته است.

گردهم‌آیی‌ها و تظاهرات ایرانیان آزاده و یاران شورشگر در این ایام در مقابل دادگاه استکهلم، پرتو باشکوه دیگری از جنبش دادخواهی است. با چنین اراده رزمنده‌یی، جام زهر حقوق‌بشر در انتظار خامنه‌ای است و هیچ راه برون‌رفتی از آن ندارد.

به یکایک شما خواهران و برادران حاضر در این اجتماع و به همه هواداران مجاهدین، یاران و زحمتکشان جنبش دادخواهی در داخل و خارج ایران درود، درود، درود!

### هویت‌زدایی از قتل‌عام‌شدگان ۶۷

دادخواهی برای ما مترادف پایداری و ایستادن بر سر موضع و مقاومت تمام‌عیار برای سرنگونی و آزادیست. دقیقاً به همین دلیل، انکار قتل‌عام یا مینی‌میزه کردن آمار شهیدان و هویت‌زدایی از آنان، خواست رژیم و در خدمت رژیم و در نهایت برای بقای همین رژیم است. پنهان‌کردن نام‌ها و تخریب مزارهای شهیدان هم به همین منظور است.

خمینی در نامه‌اش به منتظری عتاب و خطاب می‌کرد که تعداد اعدام‌شدگان را «منافقین از دهان و قلم شما به آلف و الوف رساندند».(۱)

وقتی از هویت‌زدایی قتل‌عام‌شدگان صحبت می‌کنیم، به هیچ‌وجه یک دعوی گروهی و حزبی در میان نیست. اصل موضوع این است که هویت‌زدایی از مجاهدان قتل‌عام‌شده، مهم‌ترین گام برای به‌محاق بردن و استحاله ارتجاعی همان موضع و مرزبندی است که این شهیدان به خاطر وفاداری به آن سربره‌دار شدند.

چه کسی نمی‌داند که موضع استوار آنان مرگ بر خمینی، زنده‌باد آزادی و درود بر مسعود بود؟ همان راه و مسیری که امروز هم مجاهدان سر موضع بر آن پا می‌فشارند.

چگونه می‌توان، هم خواهان انهدام مجاهدین و درهم شکستن مواضع، ارزش‌ها و مرزهای سرخ آن‌ها و از میان برداشتن رهبر مقاومت بود و هم خود را دادخواه و دلسوز شهیدان خواند؟

این یاوه و ترفند اطلاعات آخوندها و پاسداران آن‌هاست تا جنبش دادخواهی را مخدوش و منحرف یا تحریف و بی‌اثر کنند. بیش از ۱۰۰ زندانی سیاسی زمان شاه که از بالاترین سرمایه‌های مبارزاتی ملت ایران هستند، با ۱۵۰۰ زندانی از بندرسته در زمان شیخ این قبیل ترفندهای ساواکی و اطلاعاتی را آزموده و فاش کرده‌اند و دیگرکسی گول نمی‌خورد. به‌خصوص که مردم ما هم‌چنان داغدار شهادت دست‌کم ۱۵۰۰ جوان دلیرند که در قیام ۹۸ توسط پاسداران و اطلاعاتی‌های رژیم به شهادت رسیدند.

و به‌خصوص که جامعه ما از پرپرشدن جان‌های حدود ۴۰۰ هزار هم‌وطن بر اثر کرونا به شدت خشمگین و جریحه‌دار است.

نقش جنایتکارانه خامنه‌ای در مخالفت با خرید واکسن بر کسی پوشیده نیست. از طرف دیگر همه می‌دانند که این مقاومت ایران بود که از آغاز اعلام کرد که استراتژی رژیم کلان‌تلفات و سپر انسانی و فرستادن مردم به کوره‌ها و میدان‌های مین کرونا برای حفظ رژیم از خطر قیام و سرنگونی است. مانند استراتژی کلان‌تلفات در جنگ ضد میهنی و مانند قتل‌عام زندانیان سیاسی برای حفظ رژیم زهر خورده.

یاران مقاومت!

شما رادمردان و شیرزنانی که به «مقاومت به هر قیمت» و به مؤسسان پنجم ارتش آزادی حاضر گفتید!

وقتی که شاه در حال شکنجه و کشتار زندانیان در پشت دیوارهای بلند زندان‌ها یا تپه‌های اوین بود، گمان نمی‌کرد که توفان قیام‌هایی در راه است که با شعار آزادی زندانی سیاسی، بساط حکومت‌اش را برخواهد چید.

خمینی و خامنه‌ای و همدستان آن‌ها هم که به وسیله جلادانی مثل رئیسی، زندانیان را هزارهزار به‌دار می‌کشیدند، گمان نمی‌کردند که روزی یک جنبش نیرومند دادخواهی از ۶۷ تا آبان ۹۸، در برابر رژیم ولایت‌فقیه برمی‌خیزد.

### هیئت بین‌المللی برای بررسی و تحقیق در مورد قتل عام ۶۷

در همین‌جا به همه شخصیت‌ها و مدافعان حقوق بشر در سطح بین‌المللی که به دفاع از قتل‌عام‌شدگان برخاسته‌اند، به خصوص به برادرم طاهر بومدرا، مدیر حقوق بشر ملل متحد در عراق و مدیر کنونی بنیاد عدالت برای قربانیان قتل عام ۶۷ و هم‌چنین حقوق‌دانان برجسته که در این‌گرد هم‌آیی حضور دارند، درود می‌فرستم. تلاش‌ها و ابتکارات این انسان‌های والا، خدمت ارزنده‌یی به بشریت و آینده آن است.

امروز، یک اجماع ارزشمند بین‌المللی خواهان آن است که کمیسر عالی و شورای حقوق بشر ملل متحد یک هیئت بین‌المللی برای بررسی و تحقیق در مورد قتل عام ۶۷ تشکیل دهند. این خواست گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران، عفو بین‌الملل و بیش از ۱۵۰ شخصیت برجسته مدافع حقوق بشر است.

بار دیگر از دولت‌های آمریکا و اروپا می‌خواهم که قتل‌عام ۶۷ در ایران را به‌عنوان نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت بشناسند. آن‌ها نباید رئیسی را بپذیرند. او باید موردحسابرسی و محاکمه قرار گیرد.

هم‌چنین بار دیگر از دبیرکل ملل متحد، کمیسر عالی و شورای حقوق‌بشر و گزارشگران ملل متحد و سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق‌بشر می‌خواهم به‌فوریت برای بازدید از زندان‌های رژیم ایران و ملاقات با زندانیان به‌ویژه زندانیان سیاسی اقدام کنند.

پرونده نقض حقوق‌بشر در ایران به‌خصوص پرونده رفتار رژیم در زندان‌ها باید به شورای امنیت ملل متحد ارجاع شود.

### هشتمین سالگرد قتل‌عام اشرف

پنج روز دیگر، دهم شهریور، هشتمین سالگرد قتل‌عام اشرف است که در آن نیروی تروریستی قدس به سردمداری قاسم سلیمانی به اعدام جمعی ۵۲ مجاهد خلق دست زد و هفت تن را هم به گروگان گرفت که هنوز از سرنوشت آن‌ها خبری نمی‌دهد.

مجاهدین در اشرف و لیبرتی به شهادت رسیدند؛ اما بذر هزار اشرف و کانون‌های شورشی را در سراسر ایران افشانده‌اند. آن‌ها مشعل‌های آزادی مردم و میهن ما هستند.

آفتاب تابان آزادی ایران از پس ابرهای تیره‌وتار بیرون می‌آید. این تعهد بزرگ مقاومت ایران است که قطره قطره این خون‌های پاک را به نیروی آزادی ایران مبدل کند و آرمان آن‌ها را به پیروزی برساند و چنین خواهد شد.

سلام بر شهیدان

سلام بر آزادی

۱. نامه خمینی درباره عزل منتظری، به نقل از خاطرات منتظری